

پیشگفتار

ناصر مهاجر

دلیل نخست انتشار این دفتر، گزارش آن چیزی ست که بر زندانیان سیاسی و عقیدتی میهن ما رفته است؛ یعنی بر دو سه نسل از دگراندیشان و آرمانخواهان ایران. دلیل دوم اینکه می خواستیم شناختی همه سویه از نظام زندان جمهوری اسلامی به دست دهیم؛ و از ساز و کار این نهاد سرکوبگر.

بر این باوریم که تا از ستم و بیدادی که بر زندانیان رفته سخن نگوئیم، درونمایه سیاست بی رحمی را نشانانیم و آن را جزئی از آگاهی اجتماعی مان نکنیم، نه از شر شکنجه و اعدام رها می شویم؛ و نه از دایره ی بسته ی به بند کشیدن و کشتار آدمیان به خاطر اندیشه و گرایش سیاسی شان.

و بر آن بودیم که رشته ی سخن را بیشتر به دست کسانی دهیم که خود قربانی ی سیاست بی رحمی بوده اند و زندان را زیسته اند. و این ها تازه چند سالی ست که لب به سخن گشوده اند، پرده از رازها برگرفته اند و بدین ترتیب زمینه را برای تهیه ی چنین دفتری هموار ساخته اند.

نیز می خواستیم که این دفتر را به مناسبت روزی یا رویدادی نشر دهیم نمادین؛ نماد ستمی که بر زندانی وجدان رفته است؛ نماد پلیدی و پلشتی شکنجه و اعدام؛ که در زمانه ما دو بار رخ نمود. یک بار به سال ۱۳۶۰ و دیگر بار در سال ۱۳۶۷. دهمین سالگشت کشتار بزرگ سال ۱۳۶۷ را که نزدیکتر بود، مناسبت انتشار "کتاب زندان" قرار دادیم.

این کار، اما میسر نبود، مگر با کوششی دسته جمعی. همین جا از تک تک دوستانی که دست در دستان گذاشتند، به فراخور توانائی شان به یاری مان شتافتند و با فرستادن شعر و طرح و نوشته به فراخوانمان پاسخ مثبت دادند، سپاسگذاری می کنیم. به ویژه از ف. آزاد، ابراهیم آوخ، منیره برادران (م.رها)، میهن روستا، فریده زبرجد و محمد رضا همایون که در گردآوری نوشته های این دفتر نقش به سزایی داشتند؛ از آفتابگردان، کیوان آینده، محمد پزشکی، شهره محمود، شراره هادوی و شعله هادوی، که زحمت روخوانی و غلط گیری نوشته ها را کشیدند؛ از سمندر، قاصدک و بهزاد لادبن که بار تایپ را بردوش گرفتند؛ و بیش از همه از پروانه هدایت که مدیر فنی این پروژه بود، و با دقت، شکیبایی و تلاشی شبانه روزی کار را به سرانجام رساند. ■

دوم مرداد ۱۳۷۶